بیان شیخ انصاری در ماهیت اصطناعی صوم با حفظ مراتب طولی و عرضی آن

- تقویت کلام محقق ثانی در تعدد کفاره به تعدد افطار، با استمداد از شیخ انصاری

تقویت کلام محقق ثانی در تعدد کفاره به تعدد افطار، با استمداد از شیخ انصاری

می‌خواستم چند مطلب عرض کنم. یکی از آن‌ها این است که مرحوم شیخ انصاری در کتاب الصوم در صفحه ۱۷۹ عبارتی دارند. دیروز عرض کردم آیا فرمایش محقق ثانی اصلاً معقول هست یا نه؟ یعنی شما ماهیت صوم را طوری در نظر بگیری‌دی که اگر بعد از آن عمداً افطار کرد، طوری است که هنوز صائم است. صوم ماهیتی است که می‌تواند چند مفطر به‌عنوان انه المفطر داشته باشد.

جالب است مرحوم شیخ در صفحه 179 در مقابل آن همه اقوال، در مورد این‌که با تکرر مفطر و با انواع مختلف آن، تکرر کفاره می‌آید یا نه؟ یک کلمه فرموده‌اند. فرموده‌اند: «الاقوی العدم مطلقاً». یعنی وقتی روزه خود را افطار کرد - همانی که نوعاً ارتکازاً است - دیگر تمام شد. روزه رفت. حالا که روزه رفت صد مفطر دیگر بعدش بیاید، از هر نوعی می‌خواهد باشد، مشکلی ندارد. همان کفاره اولی و خلاص.

لذا فرمودند: «الاقوی العدم مطلقاً»؛ اقوی عدم تکرر کفاره است مطلقاً.

اقوالی که قبل از آن بود چندتا بود؟ «ساسها»؛ شش قول فرموده‌اند. در مسأله تکرر کفاره شش قول فرموده‌اند که جالب است. آن چه که منظور من است، این عبارت است:

> **حاصله: أنّ ما دلّ على وجوب الكفارة بالإفطار في شهر رمضان لا يثبت الكفارة إلّا لأوّل ما يرتكب من المفسدات، لأنّه المفطر دون ما يقع بعده، و إن وقع في زمان يجب الإمساك فيه إلّا أنّه لا يسمى إفطارا[1]**

«... لا يثبت الكفارة إلّا لأوّل ما يرتكب من المفسدات، لأنّه المفطر دون ما يقع بعده»؛ همین که اولی آمد مفطر همان است. روزه دیگر رفت. بعدش دیگر مفطر نیست. ادله هم می‌گوید وقتی مفطر آوردی باید کفاره بدهید. این‌ها هم مفطر نیستند.

«و إن وقع في زمان يجب الإمساك فيه إلّا أنّه لا يسمى إفطارا»؛ دیگر افطار نیست، چیزی خورده‌ای. و حال این‌که افطار اولی آن‌ها بود. با این استدلال می‌فرمایند پس تکرر کفاره نیست.

شاگرد: می‌گویند افطار باید یکی باشد.

استاد: می‌گوید «أنّ‌ما دلّ‌على وجوب الكفارة بالإفطار في شهر رمضان لا يثبت الكفارة إلّا لأوّل ما يرتكب من المفسدات»؛ چون اولی آن است که مفطر است، بقیه اش که مفطر نیست. از موضوع وجوب کفاره، همه اینها خارج هستند. این فرمایش ایشان بود.

شاگرد۲: این یک استدلال اصولی است، روایات هم همین تعبیر را دارند؟

استاد: در ادله که افطار دارد. محقق ثانی در مقابل ایشان چه می‌گوید؟ همانطوری که گفتند روایات دلالت دارد، ایشان می‌گوید شارع مقدس صوم را طوری در نظر گرفته که دومی هم مفطر است. می‌گویی معقول نیست، خب این اول الکلام است. جالبش این است که ایشان که در اینجا محکم این را فرمودند، در صفحه هجده تقریری خوبی دارند که با آن می‌توان از این موضع گیری محقق ثانی دفاع کنیم.

> **فلا يبعد- حينئذ- أن يقال: إنّ فعل المفطرات ناسيا قادح في حقيقة الصوم، و إنّ الآكل ناسيا للصوم ليس بصائم حقيقة في زمان أكل... إلّا أن يقال بكون الإمساك عن كلّ مفطر مفطر أيضا بمنزلة الأجزاء الغير الركنية، فماهيّة الصوم هي الكفّ في كلّ جزء جزء من النهار عن كلّ مفطر مفطر، و فوات الكفّ في بعض النهار نسيانا أو فوات الكفّ في جميع عن مفطر واحد نسيانا، لا يقدح في الماهيّة. [2]**

«فلا يبعد- حينئذ- أن يقال: إنّ فعل المفطرات ناسيا قادح في حقيقة الصوم»؛ اگر سهوا هم انجام دادی دیگر صوم رفت. بعد می‌گوید حالا چه کارش کنیم؟ تا آن جا که می‌فرمایند:

«إلّا أن يقال بكون الإمساك عن كلّ مفطر مفطر»؛ به انواعش، **«أيضا بمنزلة الأجزاء الغير الركنية»؛** اجزاء ِزمانی، مفطر غیر رکنی هستند. انواعش هم مفطر غیر رکنی هستند. بالای صفحه هجده فرمودند: **«فيكون حينئذ انتفاء الإمساك في جزء من النهار بمنزلة الأجزاء الغير الركنيّة للصلاة»؛** اگر اجزاء غیر رکنیه را سهوا ترک کنید، نماز مشکلی ندارد. این هم مثل آن است. پس با این تقریر خیلی خوب، طولی و عرضی درست کردند.

48:04

با این بیان چه مشکلی دارد شما که صوم را به این صورت در نظر می‌گیری، صومی داریم که امساک در کل آنات است، اما آناتی که بمنزل اجزاء غیر رکنیه است. اگر با عذر هم اجزاء غیر رکنی برون صلات نرفته است. پس اگر یک بخشی از امساک با عذر رفت، مثل این است که شرط وجوب را نداشت؛ مثلاً عذر حیض داشت، خب آن را هم باید بگویی نرفته. همچنین انواع آن. با این تقریر خیلی خوب می‌توان دفاع کرد و می توان گفت که استدلالشان در آن جا، دیگر خیلی تام نباشد.

بعد هم یک کلامی دارند: **«و يمكن أن يقال- أيضا-: إنّ الصوم الحقيقي هو الكفّ عن المفطرات حقيقة أو حكما»**؛ اینجا صوم حقیقی یعنی ماهیت مخترعه و مصطنعه‌ای که شارع در نظر گرفته. مقوم این ماهیت اعتباری دوباره در خودش یک اعتبار و حکومت و ادعا صورت گرفته. شارع فرموده صوم حقیقی چیست؟ صوم حقیقی این است که ای واقعاً مفطرات را ننوشیده باشی، ای در حکم کسی باشی که ننوشیده. آن حکم در کجا است؟ مثل سهو. یعنی اعتباری روی اعتبار. ادعا می‌کنم تو که سهوا خوردی، ادعا می‌کنم حقیقتاً صائمی.

خب اگر این باشد - اعتبار روی اعتبار- خیلی از مواردیکه در آن جا میگویند مانعی ندارد. شبیه آن در زمان ما قرنطینه است. قرنطیه در عرف جامعه، شبه حکم وضعی است. قرنطینه احکامی دارد؛ کسی که در قرنطینه است خیلی از چیزها را دارد. ای خود احرام، وقتی لبیک گفت، مُحرم است. مُحرم که شد یعنی وقتی اولین تروک احرام را انجام داد، این احرام باطل است؟! نه، همه متشرعه میدانند که شارع احرام را طوری قرار داده که وقتی تروک احرام میآید، اصل حکم محرم بودن منتفی نمیشود؛ باید کفاره بدهد؛ با آن انواعی که باید کفاره در احرام مکرر شود ای نشود.

نگاه کنید ببینید فرمایش شیخ انصاری را میتوانیم سر برسانیم ای نه. از قسمت اول کتاب ایشان میتوانیم از مثل محقق ثانی دفاع کنیم.

حال یک چیزی بگویم روی عبارت فکر کنید، فردا با آن کار داریم. صفحه هشتم فرمایش سید در مصباح، وسط صفحه فرمودند «فلأن وجوب»، ببینید این «فلأن» به کجا میخورد. چند بار من را مشغول کرد و رفتم و برگشتم. روی آن فکر کنید و ببینید به کجا میخورد. در نسخههای خطی هم دیدم، دیدم همینطور است. یعنی چیزی در اینجا نیست، ولی قطعاً افتاده است. من افتاده آن را پیدا کردم. در نسخه نبوده، با رفتوبرگشت آن را پیدا کردم.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] كتاب الصوم، الأول نویسنده : الشيخ مرتضى الأنصاري صفحه : ۱۷۹

[2] همان ۱۷